

# پژوهشنامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

No. 31, Autumn & Winter 2022/ 2023

صص ۲۱۹-۲۴۵ (مقاله پژوهشی)

## ارزیابی تطبیقی مبنای تفسیری تحریف ناپذیری قرآن کریم از منظر علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی<sup>۱</sup>

سیدرضا مؤدب<sup>۲</sup>، جواد جمشیدی حسن آبادی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۸/۱۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۹/۲۶)

### چکیده

مصنونیت قرآن از تحریف از مهم‌ترین مبانی تفسیری اغلب مفسران (از جمله علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی) است. علامه طباطبائی مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن را، در هفت بخش به تفصیل تبیین نموده است که عبارت است از: همانندی قرآن کنونی با قرآن عصر رسول الله ﷺ، معتبر داشتن روایات عدم تحریف قرآن، نقد دلایل معتقدان به تحریف قرآن، تحلیل جمع قرآن در عصر ابوبکر، تحلیل توحید مصاحب در دوره عثمان، تحلیل جمع قرآن بین الدفتین در زمان صحابه و نقد و بررسی روایات موهم به تحریف. در مقابله آیت‌الله جوادی آملی در تبیین این مبنای تفسیری، بر اموری چون دلایل عقلی، دلایل نقلی، تواتر قرآن، شهادت تاریخ، هماهنگی قرآن با عترت، شهرت محققه به گواهی علمای فرقین تاکید دارد. مقایسه مبانی دو مفسر، نشان می‌دهد که در اصل مصنونیت قرآن کریم از تحریف هر دو با یکدیگر اشتراک نظر دارند و این از مبانی مشترک صدوری، دو مفسر در تفسیر قرآن است اما در مقابل در تبیین جزئیات موضوع، با یکدیگر اختلاف نظرهایی دارند که واکاوی این اشتراکات و اختلافات، نشان دهنده‌ی یک نوآوری در دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی است. در این مقاله، با روش توصیفی- تحلیلی و به صورت تطبیقی به دیدگاه دو مفسر یاد شده در خصوص مبنای تحریف ناپذیری برداخته شده است. تبیجه آن که از جمله مبانی حضرت آیت‌الله جوادی آملی آن است که، ایشان ترتیب آیات درون سوره‌ها و ترتیب سوره‌ها را توقیفی می‌داند و جمع و تدوین مصحف‌شریف را به زمان حیات رسول الله ﷺ نسبت می‌دهد، درحالی که حضرت علامه طباطبائی جمع و تدوین قرآن به صورت کامل را در زمان حیات پیامبر ﷺ نمی‌داند و معتقد به اجتهادی بودن ترتیب سوره‌هاست. همین موضوع، ریشه اختلاف دیدگاه دو مفسر در تبیین مصنونیت قرآن از تحریف است، که به نظر می‌رسد، سخن آیت‌الله جوادی آملی صحیح تر باشد. همچنین آیت‌الله جوادی آملی، استدلال علامه طباطبائی را در اثبات تحریف ناپذیری قرآن، مستلزم دوری رقیق دانسته و به تقد سخن ایشان برداخته است، که به نظر می‌رسد ملاحظه دقیقی است.

کلید واژه‌ها: مبانی تفسیری، تحریف، علامه طباطبائی، آیت‌الله جوادی آملی، العیزان، تسنیم، ارزیابی تطبیقی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجو است.

reza@moaddab.ir

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛

javadjamshidi66@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم، قم، ایران؛

## ۱. بیان مساله

وجود مبانی برای هر دانشی، امری ضروری است. در دانش تفسیر قرآن کریم، به دلیل اهمیت و جایگاه این دانش، بحث پیرامون آن مهم‌تر است. از آنجا که میان مفسران (حتی از یک مکتب تفسیری) درباره مبانی، اختلاف نظرهایی وجود دارد، لذا در تفسیر پژوهشی، ضرورت بحث از تطبیق و ارزیابی مبانی تفسیر به ویژه مبانی مورد اختلاف و بیان اشتراکات و اختلافات این مبانی که ریشه‌ی بسیاری از اختلاف نظرهای تفسیری است دو چندان احساس می‌شود.

علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی از مفسران بزرگ معاصر شیعه هستند و عدم تحریف قرآن از مهم‌ترین مبانی تفسیری اتفاقی (مشترک) صدوری دو مفسر است و هر دو در اثبات این مهم، به ادله عقلی، قرآنی، روایی و شواهد تاریخی تمسک نموده و به تفصیل در تفاسیرشان، قلم‌فرسایی نموده‌اند. این بحث در تفسیر المیزان در چند مورد به تفصیل مطرح شده و محور اصلی این بحث در المیزان، وجود صفاتی است که قرآن کریم با آن در عصر رسول‌الله ﷺ تحدي نموده است. هم چنین آیت‌الله جوادی آملی علاوه بر اینکه در این باره تالیفی مجزا با عنوان «نزاهت قرآن از تحریف» دارد، در تفسیر تسنیم نیز به تفصیل به این موضوع پرداخته است و نظر استاد خویش (علامه طباطبائی) را بیان و مورد نقد و بررسی قرار داده است. این مقاله بر آن است تا به مبانی تفسیری تحریف‌ناپذیری قرآن کریم از منظر علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی پرداخته و روشن کند که مبانی این دو مفسر چه اشتراکات و چه اختلاف دیدگاه چیست؟<sup>۱</sup>

## ۲. مقدمه

با توجه به هدف این نوشتار که ارزیابی تطبیقی مبانی تفسیری تحریف‌ناپذیری قرآن

۱. لازم به ذکر است با بررسی‌های انجام شده، پژوهشی، با موضوع ارزیابی تطبیقی و مقارنهای مبانی تفسیری تحریف‌ناپذیری قرآن کریم از منظر علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی، و مشابه آن، تاکنون انجام نشده است و این امر، بدیع بودن و ضرورت انجام این پژوهش را تأیید می‌نماید.

کریم از منظر علامه طباطبائی و آیت الله جوادی آملی است، در ابتدا با معنای مبانی تفسیری، تحریف، انواع آن از نظر مفسران بهویژه علامه طباطبائی و آیت الله جوادی آملی آشنا می‌شویم.

#### ۱-۱. معنای مبانی

واژه‌ی مبانی جمع مبنا از ریشه‌ی بنی در لغت به معنی اساس و بنیاد، بنا، شالوده، پایه و بنیان و ریشه و اصول مسلم یک شی است (ابن‌فارس، ۳۰۲/۱؛ عیید، ۱۰۴۸؛ دهخدا، ۲۵۷۷/۲؛ مصطفوی، ۱/۳۴۰؛ معین، ۳/۳۷۷۷). مبانی در اصطلاح، به معانی مختلفی بیان شده است. (نک : مبیدی، ۳۷؛ بابایی، ۲۰/۱؛ شاکر، ۴۰). مراد از اصطلاح مبانی تفسیری در این نوشتار، آن دسته از قضایا و اصول اساسی است که اثبات و نفی‌شان در چگونگی تفسیر، اثری بنیادین ایفا می‌کند مانند اثبات یا نفی وقوع تحریف در قرآن کریم و... . مبانی تفسیر به اقسام گوناگونی همچون مبانی صدوری و دلالی، مشترک و مختص و... تقسیم می‌شود. (نک : مودب، مبانی تفسیر قرآن، ۳۹-۴۱؛ مودب، روش‌های تفسیر قرآن، ۴۰؛ شاکر، ۴۰-۴۲؛ محمدی‌ری‌شهری، ۳۴؛ عییدزنجانی، ۶). مصونیت قرآن از تحریف از مبانی مشترک (اتفاقی) صدوری است.

#### ۲-۱. معنای تحریف

حرف در لغت، به معنی لبه، کناره، مرز، گوشه است (جوهری، ۱۳۴۲/۴؛ راغب اصفهانی، ۱/۲۲۸؛ ابن‌منظور، ۹/۴۱). به‌طورکلی تحریف در لغت به معنای مایل کردن، کج کردن و تغییر دادن آمده است. تحریف کلام، بد معنا کردن، سوء‌تعییر و سوء‌تفسیر است و تحریف کلمه، جایه جاکردن کلمه می‌باشد. (طباطبائی، قرآن در اسلام، ۱۴۳؛ نک : زمخشri، ۲/۱۴۶). تحریف در اصطلاح، به چند معنی به‌کار می‌رود: تغییر معنای کلام، به این نوع تحریف، تحریف معنوی یا تفسیر به رای هم گویند. (ابن‌ابی جمهور، ۴/۱۰۴؛ به

معنای نقص یا زیادتی در حروف یا حرکات قرآن با حفظ و مصونیت اصل قرآن کریم. (خوبی، ۲۶۴؛ معرفت، صيانة القرآن من التحرير، ۲۳۲/۲؛ کلینی، ۶۳۰/۲؛ تغییر کلمه‌ای به جای کلمه مرادف آن (الحجر، ۶۵)؛ تحریف در لهجه تعبیر؛ تحریف به افزودن: اجماع مسلمین برخلاف این است. (عسقلانی، ۵۷۱/۸؛ آلوسی، ۱۶/۷؛ خوبی، ۲۶۷)؛ به معنای کاستن یا افزودن آیه یا سوره‌ای که البته موجب تغییری در قرآن نشود. (خوبی، ۲۶۶)؛ تحریف به کاهش و افتادگی عمدی یا به صورت اشتباهی از قرآن کریم (خوبی، ۲۶۷؛ سبحانی، ۱۵۱)؛ معرفت، صيانة القرآن من التحرير، ۱۱). تحریفی که مقالات و کتاب‌های فراوان بر رد آن نگارش شده، همین نوع است.

برخی تحریف اصطلاحی را به هفت قسم تقسیم نموده‌اند (معرفت، صيانة القرآن من التحرير، ۱۱-۱۴) و برخی آنرا به شش قسم تقسیم نموده‌اند (خوبی، ۲۵۵). تحریفی که در مصونیت قرآن از آن بحث می‌شود، بیشتر تحریف لفظی است نه معنوی. در قرآن کریم هرجا و اژه تحریف آمده، مراد تحریف معنوی است (قرشی، ۱۲۱/۳؛ نک: طبرسی، ۲۶۷/۳ و ۸۵؛ زمخشri، ۱/۵۱۶؛ کلینی، ۸/۵۳؛ معرفت، صيانة القرآن من التحرير، ص ۱۶). در مصحف شریف، شش مورد از مشتقات تحریف به کار رفته‌است (النساء، ۴۶؛ المائدah، ۱۳/۴۱؛ البقره، ۷۵؛ الانفال، ۱۶؛ الحج، ۱۱). به نظر می‌رسد، سه عامل اساسی در شکل‌گیری دیدگاه وقوع تحریف در قرآن کریم موثر بوده است، که عبارتند از: (الف) وجود روایات مبنی بر تحریف قرآن کریم (ب) ابهاماتی در تاریخ جمع و گردآوری قرآن کریم (ج) کمنگی طرح موضوع امامت در قرآن کریم. (معرفت، صيانة القرآن من التحرير، ۷).

### ۳-۲. پیشینه‌ی تاریخی بحث تحریف‌ناپذیری قرآن

پیشینه‌ی بحث تحریف‌ناپذیری قرآن را باید هم زمان با نزول قرآن و در متن آیات وحی جستجو کرد. پس از قرآن، کهن‌ترین سند تاریخی که با بیان اوصاف قرآن بر سلامت این کتاب گواهی می‌دهد، فرازهایی از دعاهاي صحيفه‌ی سجادیه

است مانند دعای ۴۲ و همچنین خطبه‌ی فدکیه‌ی حضرت زهراء(س) و سپس سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه که قرآن را به گونه‌ای معرفی کردند که امکان دستبرد در ساختار آن را منتفی می‌سازد. تحریف ناپذیری قرآن مورد اقبال جدی دانشمندان مسلمان تا دوره‌ی اخیر است و ده‌ها کتاب در زمینه‌ی سلامت قرآن از تحریف به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. مفسران در مقدمه‌ی تفسیر یا در خلال تفسیر آیاتی که مربوط به موضوع صیانت قرآن از تحریف است، اصولیون در مباحث مربوط به ناسخ و منسخ و حجیت ظواهر آیات، فقهیان در مبحث جواز قرائت هفتگانه در نماز و انتخاب یک سوره بعد از حمد و نیز در برخی از کتب معارف دینی به این موضوع پرداخته‌اند. (نک: نجارزادگان، ۷۲).

از آنجا که موضوع مصونیت قرآن کریم از تحریف، از مبانی تفسیری مهم است و به حجیت قرآن کریم و ظواهر آن مربوط می‌باشد، لذا اکثر مفسرین و قرآن پژوهان اهل سنت و تشیع به خصوص در عصر حاضر، در این موضوع، اظهار نظر نموده و کتابهای زیادی نگاشته‌اند<sup>۱</sup> و به کمک ادله فراوانی از جمله ادله عقلی، نقلی، شواهد تاریخی و .... به اثبات عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند<sup>۲</sup> و همچنین ادله موافقان تحریف<sup>۱</sup> را مورد نقد قرار داده‌اند.

۱. غالب علمای فرقین قائل به تحریف ناپذیری قرآن کریم هستند. از مفسران اهل سنت: فخر رازی (۵۶۸/۲۷)، آلوسی (۳۷۹/۱۲) و ... و از مفسران شیعه: شیخ طوسی (۱۳۱/۱)، طبرسی (۲۳/۹) و ... گرفته‌تا مفسرین معاصر همچون علامه طباطبائی (المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۴-۱۰۳/۱۲)، آیت‌الله خوبی (۱۶۸)، آیت‌الله معرفت (التمهید فی علوم القرآن، ۹۶)، آیت‌الله جوادی آملی (قرآن در قرآن، ۳۲۹-۳۵۰)، نجارزادگان (۱۳۸۴)، ۵۰-۱۰۰ و ... همگی به مصونیت قرآن کریم از تحریف تاکید نموده و در این خصوص اظهار نظر نموده‌اند.

۲. جهت آگاهی از استدلال‌های دانشمندان اسلامی در اثبات عدم تحریف قرآن، نک: (اشرفي، ۱۹؛ نک: مصباح، ۹۱؛ نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۲۴-۲۷؛ کلیني، ۱/۶۹؛ نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۶؛ انواری، ۴۲؛ دلایل عقلی: ضرورت اتمام حجت (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۳۹؛ نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۲)؛ برهان اعجاز قرآن (نک: معرفت، صيانة القرآن من التحرير، ۲۸-۴۴)؛ برهان خاتمت؛ برهان جامعیت؛ برهان توادر (نک: معرفت، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹)؛ ضمانت الهی (نک: معرفت، تاریخ قرآن، ص ۶۲؛ قراتی، ۶/۳۱۷؛ شیوه وحیانی قرآن (نک: معرفت، تاریخ قرآن، ۱۶۴)؛ شیوه بیانی؛ شیوه نزول قرآن (نک: معرفت، تاریخ قرآن، ۱۶۵)؛ تکامل خط و کتابت (نک: معرفت، تاریخ قرآن، ۱۶۶)؛ رابطه ناگستینی اعجاز با عدم تحریف قرآن (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۴)؛ قاعده لطف و هدایتگری خداوند؛ خاتمت دین اسلام و جاودانگی آن (نک: محمدی، ۳۲)؛ ...

از آنجا که توجه به این دلایل گوناگون، با شدت و ضعف مد نظر علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی، قرار دارد، که از این قسمت به بررسی دیدگاه‌های این دو مفسر معاصر، در زمینه مصونیت قرآن از تحریف، به صورت تطبیقی می‌پردازیم:

### ۳. مبنای عدم تحریف قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبائی

یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیری علامه طباطبائی در تفسیر وزین المیزان اعتقاد به عدم تحریف قرآن از حیث زیاده، نقصان و جا به جایی آیات آن است. علامه طباطبائی ذیل آیه «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (النساء، ۴۶)؛ تحریف سخن را یا به تغییر جای الفاظ یا به تفسیر غیرواقعی از کلام، تفسیر نموده است. همچنین می‌فرماید: «ممکن است مراد از عبارت «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» عبارت بعدی آن که عطف بر آن شده، باشد یعنی و يقولون سمعنا و عصینا باشد» (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۶۴/۴). که در این صورت مقصود از تحریف سخن، استعمال کلام در غیر از موارد استعمال می‌باشد.

- دلیل عقلی - روایی (خرمشاهی، ۴۹۰/۱)؛ ضرورت تواتر قرآن کریم. (نک: جوادی آملی، نزاحت قرآن از تحریف، ۱۰۶)؛ ب. آیات: آیه حفظ (الحجر، ۹)؛ آیه نفی باطل (عدم اتیان) (فصلت، ۴۱ و ۴۲)؛ آیه سوم (التوبه، آیه ۳۲)؛ آیه چهارم (القيامة، ۱۹) (نک: جوادی آملی، نزاحت قرآن از تحریف، ۷۶-۶۹)؛ ج. روایات: حدیث ثقلین، حدیث غدیر، احادیث عرض، احادیث واردہ در شواب قرائت سوره در نمازها و غیر آن (خوبی، ۲۲۹-۲۱۰)؛ جوادی آملی، نزاحت قرآن از تحریف، ۹۸-۹۷؛ د. شواهد تاریخی: اهتمام پیامبر ﷺ و صحابه به قرآن (نک: طیب، ۱۳-۱۴؛ خوبی، ۲۰۷)؛ عدم اعتراض امیرالمؤمنین علی و ائمه علی: اهتمام مسلمین به قرآن (نک: خوبی، ۲۴۸؛ قرشی، ۳۳/۵)؛ مانع از افزودن حکم رجم به قرآن کریم (نک: جوادی آملی، نزاحت قرآن از تحریف، ۱۲۱)؛ جلوگیری از حذف واو از قرآن (نک: جوادی آملی، نزاحت قرآن از تحریف، ۱۲۲)؛
- شیوه تحریف قرآن از طرف جریان‌هایی در طول تاریخ اسلام ادعا شده است که از جمله آنها، حشویه از اهل سنت، غلات و کمی از اخباریان از شیعیان از سیدنعمت‌الله جزاً ایری و محدث نوری، بودند و در ادامه گروههای از فرقیین و همچنین مستشرقان معاند، به پیروی از این دو گروه به این شیوه دامن زدند. (نک: معرفت، ۱۲۸۶، ۸۶) از جمله دلایل موافقان تحریف قرآن کریم عبارت است از: روایات مبنی بر اینکه هر آنچه در امتهای پیشین رخ داده است، در امت اسلام نیز رخ خواهد داد از جمله تحریف کتب آسمانی؛ اختلاف قرآن فعلی، با قرآن حضرت علی علیهم السلام؛ تفاوت مصحف ابی بن کعب با مصحف عثمانی؛ روایات مبنی بر وقوع تغییر و نقصان در مصحف موجود؛ کمرنگی تصویری به مساله امامت در قرآن؛ کیفیت جمع آوری قرآن و.... که البته مخالفان تحریف قرآن کریم به نقد و رد این ادله پرداخته‌اند (نک: خوبی، ۲۳۹-۲۴۵؛ معرفت، صيانة القرآن من التحرير، ۱۳۷؛ رامیار، ۳۵۳).

### ۳-۱. دلایل تحریف ناپذیری قرآن کریم از منظر علامه طباطبائی

علامه طباطبائی درباره مصنونیت قرآن از تحریف، به طور مفصل بحث نموده و به دلایل قرآنی و روایی زیادی استناد نموده است. ایشان ذیل آیه ۹ سوره حجر در هفت بخش، تحریفناپذیری قرآن را با دلایل متقن اثبات نموده است که عبارتند از:

#### ۳-۱-۱. همانندی بخش اول: قرآن کنونی با قرآن عصر رسول الله ﷺ

اینکه در هزار و چهارصد سال پیش، رسولی به نام محمد ﷺ از نژاد عرب به رسالت مبعوث شده و معجزه‌ی او کتاب اوست که آن را قرآن نامیده و این کتاب را به خداوند متعال نسبت داده است، یکی از ضروریات تاریخ است. نیز از امور قطعی تاریخ است که پیامبر ﷺ با همین قرآن تحدی نموده است و اینکه قرآن موجود، همان قرآنی است که پیامبر ﷺ آورده و برای مردم زمانش تلاوت کرده؛ یعنی قطعاً چنین نیست که آن کتاب به صورت کامل از بین رفته باشد و کتابی دیگر نظیر آن و یا غیر آن توسط افرادی تدوین و به رسول الله ﷺ نسبت داده شده و در بین مردم مشهور و معروف شده باشد. تمام اینها اموری است که هیچ‌کس در آن شک و تردید ندارد، حتی موافقان تحریف قرآن کریم. تنها چیزی که عده‌ای احتمال داده‌اند این است که جملات کوتاهی یا آیه‌ای در آن کم یا زیاد یا جایبهجا شده یا در الفاظ و یا اعراب آن دگرگونی اتفاق افتاده؛ اما بدون هیچ تردیدی، اصل کتاب، به همان شکل زمان رسول الله ﷺ باقی مانده است. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۴/۱۲).

همچنین قرآن کریم با ویژگی‌ها و خواصی که نوع آیاتش واحد آنهاست، هماورده طلبی نموده و تمام آیات آن، همچنان آن اوصاف را دارد، بدون اینکه آیه‌ای از آن، آن خواص و ویژگی‌ها را از دست داده باشد. از جمله این اوصاف و ویژگی‌ها: فصاحت و بلاغت قرآن، عدم وجود اختلاف در قرآن کریم (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۵/۱۲)؛ معارف حقیقی و کلیات شرایع فطری و جزئیات فضائل عقلی؛ بیان داستان امتهای گذشته (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۶/۱۲)؛ اوصافی مانند نور، هادی، ذکر و... (نک:

طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۷/۱۲).

لازم به ذکر است که تکیه بر اوصاف عام قرآن کریم برای اثبات مصونیت قرآن در سایر آثار مفسران و محققان نمود آشکاری ندارد و شاید بتوان این را از نوآوری‌های علّامه طباطبایی به شمار آورد، علّامه در چند موضع بر آن تأکید نموده است (نک: مصباح، ۱۹۸-۱۹۹؛ جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۸۲). این باور علامه بر تفسیر آیات نیز تاثیر گذاشت، لذا در تفسیر آیاتی که بر صیانت قرآن کریم از تحریف دلالت دارد از جمله آیه «حفظ» (الحجر، ۹) و آیه «نفی باطل» (فصلت، ۴۲)، علامه بر روی این صفات تاکید نموده است.

آیه «حفظ» دلالت دارد که قرآن کریم از حیث ذکر بودن، از تمام انواع و اقسام تحریف در امان و محفوظ است. پس قرآن، ذکری حی و زنده و پابرجاست (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۴/۱۲). ایشان درباره نحوه دلالت آیه نفی باطل، بر صیانت قرآن کریم از تحریف، معتقد است، این آیه در دلالت بر اینکه کتاب عزیز و شکستناپذیر، همواره به حفظ خدایی - از حیث ذکر بودن - از هر نوع تحریفی، محفوظ است. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۷/۳۹۶-۴۰۰).

### ۳-۱-۲. بخش دوم: استناد به روایات مبنی بر عدم تحریف قرآن کریم

علامه طباطبایی در این قسمت پنج دلیل روایی را برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف بیان کرده است که عبارتند از:

دلیل روایی اول: روایات ارجاع دهنده به قرآن در فتنه‌ها: روایات فراوانی که از طریق شیعه و سنی از پیامبر ﷺ نقل شده است (نک: کلینی، ۵۹۹/۲؛ مجلسی، ۱۳۶/۷۷ و ۱۷۷؛ همو، ۱۷/۹۲).

دلیل روایی دوم: حدیث ثقلین که از طریق فرقیین به حد تواتر نقل شده است و از نظر علّامه، دلیلی استوار بر عدم تحریف قرآن است.

دلیل روایی سوم: روایات عرضه اخبار و احادیث بر قرآن (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۲).

دلیل روایی چهارم: تمسّک اهل بیت علیهم السلام به آیات گوناگون. (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۲).

دلیل روایی پنجم: تأیید نمودن قرآن رایج: احادیثی از اهل بیت علیهم السلام، که قرآن فعلی را همان قرآنی می داند که از ناحیه خداوند متعال نازل شده که تنها از نظر ترتیب برخی سور یا آیات فرق دارد که کمترین تاثیری در اختلاف و اختلال معنای آن ندارد. (نک: مجلسی، ۱۸۸/۶؛ نک: کلینی، ۴۴۵/۱؛ همو، ۶۳۳/۲؛ مجلسی، ۸۸/۸۹؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۲).

علامه طباطبائی پس از بیان این احادیث، تاکید می کند که، این روایات با اختلاف اصنافش، دلیل قطعی است بر اینکه قرآن کنونی، همان قرآن عصر پیامبر علیه السلام است، بدون آنکه چیزی از اوصافش را از دست داده باشد. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۲).

### ۳-۱-۳. بخش سوم: ذکر دلایل معتقدان به تحریف قرآن و پاسخ و استدلال‌های علامه در نقد آنها

برخی از معتقدان به تحریف قرآن به چهار دلیل استناد نموده‌اند که علامه به طور جداگانه به هریک از آنها جواب داده است و دلائل آنها را رد نموده است. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۱۸-۱۰۸/۱۲).

### ۳-۱-۴. بخش چهارم: تحلیل واقعه جمع قرآن در عصر ابوبکر

علامه طباطبائی بحث تاریخی جمع قرآن در زمان ابوبکر را به تفصیل بیان نموده است و درباره جمع بین روایاتی که برخی بر جمع قرآن در زمان پیامبر علیه السلام و برخی بعد از آن حضرت دلالت دارند، معتقد است که، نهایت چیزی که این روایات بر آن دلالت دارد، این

است که اصحاب در عهد رسول خدا ﷺ سوره‌ها و آیه‌های قرآن را جمع کرده بودند اما اینکه عنایت داشته باشند، که همه قرآن را به ترتیب سوره و آیه‌هایی که امروز در دست ما است و یا به ترتیب دیگری جمع کرده باشند، دلالت ندارد. آری، این طور جمع کردن تنها و برای اولین بار در زمان ابو بکر باب شده است. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۱۸/۱۲-۱۲۱).

### ۳-۱-۵. بخش پنجم: تحلیل جمع قرآن و توحید مصاحف در دوره عثمان

علامه معتقد است که بعد از آنکه تدوین و جمع آوری قرآن در زمان ابویکر شروع شد، در نتیجه ادامه این کار قرآن‌های مختلفی و قرائتها زیادی به وجود آمد و لذا عثمان برای بار دوم به جمع آوری آن پرداخت، گردآوری مصاحف مختلف و جمع و تدوین قرآن براساس یک قرائت در زمان عثمان انجام گرفت (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲۱/۱۲-۱۲۴).

### ۳-۱-۶. بخش ششم: تحلیل جمع قرآن بین الدفتین در زمان صحابه

علامه معتقد است که صحابه آیات و سور را که در زمان حیات رسول الله ﷺ کامل شده بود، بین الدفتین گردآوری نمودند، بدون آنکه کمترین کاهش یا افزایشی در آن صورت گیرد و همان کتاب تاکنون بدون تحریف و به صورت کامل باقی مانده است. لذا علامه نظر خود را در قالب سه نتیجه کلی در پایان فصل بیان می‌کند:

الف. آنچه بین دو جلد قرآن کریم است، همه کلام خداوند است. نه چیزی بر آن افزوده شده و نه تغییری یافته است و احادیث منقول، احادیث آحادی است که با قرائن قطعی تحریف و تغییر را نفی می‌کند.

ب. ترتیب سور قرآن کریم در جمع اول و ثانی به دست اصحاب صورت گرفته است (یعنی توقیفی نیست بلکه اجتهادی است) و دلیل این حرف، احادیث زیادی است که رسیده است.

ج. مرتب نمودن آیات به ترتیب فعلی، با توجه به اینکه آیات به طور پراکنده فرود آمده، بدون دخالت صحابه نبوده است. از اخبار جمع اول قرآن، به دست می‌آید که صحابه در این امر اجتهاد، نظر و یا سلیقه خود را به کار برده‌اند. علامه طباطبایی در این مورد ترتیب برخی آیات را اجتهادی می‌داند. علامه معتقد است، اینکه گفته‌اند رسول الله ﷺ می‌فرمود: که فلان آیه را در فلان‌جا قرار دهید و صحابه نیز آیات را به همین شکلی که در مصاحف نوشته شده، ثبت نمودند و این توافقی بودن آیات قرآن را می‌رساند، ظاهرا منظورشان اشاره به روایت عثمان بن ابی العاص در مورد آیه کریمه نود سوره نحل است که این حدیث خبر واحدی، پیرامون یک آیه است و ربطی به موضع و محل تمام آیات ندارد. بنابراین علامه طباطبایی جمع و تدوین قرآن را به صورت کامل، در زمان پیامبر ﷺ نمی‌داند. بنابراین معتقد به اجتهادی بودن ترتیب و چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سور است. (نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۲۴-۱۲۲).

### ۳-۱-۷. بخش هفتم: نقد و بررسی روایات تحریف

علامه طباطبایی در آخرین بخش، به تحلیل و نقد احادیث تحریف پرداخته است.  
(نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۲۲-۱۳۳).

### ۳-۲. جمع‌بندی مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی

در باور علامه، هیچ تحریفی، که به صفات عام قرآن مانند معجزه بودن، هدایتگری و ذکر بودنش خدشهای بزند، صورت نگرفته است. دلایل علامه طباطبایی در مصونیت قرآن از تحریف عبارتند از:

۱. به نظر علامه، روش‌ترین و عمدت‌ترین دلیل در باب تحریف‌ناپذیری قرآن فعلی، همین صفات و ویژگی‌هایی است که قرآن کریم برای خودش بیان فرموده است و این صفات و ویژگی‌ها، همچنان پابرجا و باقی است. و این که قرآن فعلی، دارای تمام صفات و

ویژگیهایی است که خدا، قرآن نازل شده بر رسول الله ﷺ را به آن توصیف می‌کند. ایشان بر این باور است که، قرآن کریم در متصف بودن به صفات و ویژگی‌هایش، نیاز به دلیل ندارد که ثابت کند این قرآن به آن پیامبر مستند است، نه به دلیل متواتر و نه دلیل متظاهر و الهی بودنش، موقوف به این دلیل نیست بلکه قضیه به عکس است. (نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲۶/۱۲). به عبارت روشن‌تر، از آن جایی که این کتاب متصف به آن صفات و ویژگی‌های خاص است، مستند به پیغمبرش می‌دانیم. بنابراین این کتاب در این مورد، شبیه هیچ کتاب دیگری نیست چون قرآن کریم، خودش دلیل بر سخن خدا بودنش است. لذا قرآن هر جا و به دست هر کس باشد و از هر راهی که به دست ما رسیده باشد، حجیت و دلیلش با خودش همراه است. ولی کتاب‌ها و رساله‌های دیگر، وقتی می‌توانیم به صاحب‌ش نسبت دهیم که دلیلی آن را اثبات کرده باشد.

۲. قرآن با صفات و ویژگی‌هایی که نوع آیاتش، هماورده طلبی و تحدي نموده و بشر را بر آوردن کتابی مشتمل بر آن صفات و ویژگی‌ها جایز دانسته، اما تاکنون احدی موفق نشده است که حتی سوره‌ای مانند قرآن کریم را بیاورد.

۳. خداوند متعال خود نیز از تحریف ناپذیری قرآن کریم خبر داده است (الحجر، ۹) و با گذشت هزار و چهارصد سال از نزول قرآن بدون تحریف، محفوظ مانده است.

۴. احادیث زیادی که دلالت قطعی دارد که قرآن کنونی، همان قرآن نازله بر پیامبر اکرم ﷺ است و چیزی از ویژگی‌ها و اوصافش کاسته نشده است.

#### ۵. مبنای عدم تحریف قرآن کریم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیری آیت الله جوادی آملی در تفسیر وزین تسنیم، اعتقاد به صیانت قرآن، از تحریف است. «تحریف» از نگاه ایشان عبارت است از: خارج ساختن چیزی از وضع طبیعی آن. تحریف به این معنا دو نوع است: تحریف عملی و تحریف علمی. تحریف عملی، عبارت است از این‌که مفسّر دینی، به نحوی رفتار کند که هنگامی دیگران او را مشاهده می‌کنند، گمان کنند که فعل و رفتار او، خواسته دین از انسان است. و تحریف

علمی به چند طریق ممکن است: به گونه‌ای که بر کتاب الهی بیفزایند، یا از آن بکاهند و یا حرکات آن کلمات را تغییر دهند یا بدون هیچ‌گونه تغییری در ظاهر، آیه را تفسیر به رای کنند. (نک: جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۲۹-۳۳۰).

آیت الله جوادی آملی، ضمن تعریف دقیقی از تحریف، آن را به دو دسته (تحریف عملی و تحریف علمی) تقسیم نموده و تحریف علمی را در چهار وجه دانسته که عبارتند از: تحریف به افزودن، تحریف به کاستن، تحریف در حرکات و اعراب و تحریف معنوی.

آیت الله جوادی آملی در آثارشان با نگاهی عقلانی - وحیانی و بیانی ژرف و قلمی زیبا به موضوع مصونیت قرآن از تحریف پرداخته است. ایشان در آثار مختلفشان، هم از تحریف ناپذیر بودن قرآن، سخن گفته و هم در مقام پاسخ به شباهات و دفاع از مصونیت قرآن پرداخته است. ایشان در بیش از نود و پنج مورد در آثار و تالیفاتش به موضوع مصونیت قرآن کریم از تحریف پرداخته است. از جمله در کتاب تفسیر ترتیبی تسنیم؛ همتایی قرآن و اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>؛ تفسیر موضوعی (قرآن در قرآن)؛ شریعت در آیین معرفت؛ کتاب نزاهت قرآن از تحریف؛ ادب فنای مقربان؛ سروش هدایت؛ شمس الوحی تبریزی؛ قرآن حکیم از منظر امام رضا<sup>علیه السلام</sup>؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ مهر استاد؛ نسیم اندیشه و... (خنشا، ۲۳۸).

#### ۴-۱. دلایل تحریف ناپذیری قرآن کریم از منظر آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی آملی در خلال مباحث مختلف در آثار متعددش به دلایل مختلفی اشاره می‌کند. ایشان دلایل عقلی و نقلی را برای مصونیت قرآن از تحریف، ارائه می‌دهد: ایشان دلایل را به دو دسته تقسیم نموده: دلایل عقلی و نقلی (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۴)

#### ۴-۱-۱. دلایل عقلی

آیت الله جوادی آملی دلایل عقلی مختلفی را برای مصونیت قرآن کریم از تحریف، ارائه می‌دهد، مهم‌ترین آنها عبارتند از:

#### ۴-۱-۱. ضرورت اتمام حجّت و هدایتگری مردم

از منظر عقل برهانی، خاتم الانبیاء بودن پیامبر ﷺ با تحریف ناپذیری قرآن کریم برای بقاء اصل اتمام حجت بر مردم و هدایت آنها، ملازمه کامل دارد. (جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۲-۴۴).

#### ۴-۱-۲. رابطه جدایی ناپذیری اعجاز با مصونیت قرآن از تحریف

معجزه بودن قرآن، با دلائل خاص خودش مانند تحدی قرآن ثابت می‌گردد و موضوعی قطعی و مسلم میان همه مسلمین است. با برهان عقلی، رابطه اعجاز قرآن کریم با عدم تحریف آن، اثبات پذیر است؛ به عبارتی از آنجا که معجزه بودن قرآن کریم، امری قطعی و مسلم است، قرآن کریم نیز از هرگونه تحریفی مصون مانده است و قبول نمودن احتمال هرگونه تحریفی، به معنی نفی معجزه بودن قرآن کریم است. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۴-۴۸).

#### ۴-۱-۳. جاری بودن حکمت الهی

عقل حکم می‌کند که قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب هدایت بشر، مصون از هرگونه تحریف و تغییر باشد. زیرا ارسال رسیله و با تحریف این کتاب، مردم گرفتار ضلالت و تباہی خواهند شد و این با حکمت الهی منافات دارد، زیرا عقلاً محال است که خداوند متعال، آخرین رسول و کتاب خود را بفرستد و آنها تحریف شوند اما رسول و کتاب دیگری نفرستد (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۷/۲۵۲).

#### ۴-۱-۴. عدم حجیت قرآن با وقوع تحریف

ایشان معتقد است که در صورت بروز تحریف (اعم از کاهش یا افزایش) در قرآن کریم، اعتبار و حجیت آن ساقط می‌شود و چون حجیت قرآن کریم، از امور مسلم و قطعی است، لذا وقوع

تحریف در آن قابل پذیرش نیست. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۹۴ - ۹۸).

#### ۴-۱-۲. دلایل نقلی

دلایل نقلی عدم تحریف قرآن کریم عبارتند از: آیات قرآن کریم، سنت یقینی مucchomineen<sup>۱۷۸</sup>، تواتر قرآن کریم، شهرت محققه به گواهی علمای شیعه و هماهنگی بین قرآن کریم و عترت طاهره<sup>۱۷۹</sup>. اینک به بررسی اجمالی هر کدام از این دلایل می‌پردازم.

#### ۴-۱-۲-۱. دلایل قرآنی

منطقن‌ترین دلیل نقلی بر مصنونیت قرآن کریم از تحریف، خود قرآن است؛ زیرا قرآن صراحتاً به مصنونیت کامل خود از هرگونه تحریف تأکید می‌کند. اگر قرار بود قرآن کریم دستخوش تحریف قرار گیرد، پیش از هر چیزی باید این بخش از آیات را از قرآن کریم حذف می‌کردند تا حداقل از درون خود قرآن شاهدی مخالف و معارض مدعای آنها نباشد. این آیات عبارتند از:

#### ۴-۱-۲-۱-۱. آیه حفظ (الحجر، ۹)

آیت الله جوادی آملی این آیه را در قالب ۹ نکته مهم، دلیل بر مصنونیت قرآن از تحریف می‌داند. ایشان بیان می‌کند که، خداوند متعال در این آیه کریمه می‌فرماید: ما قرآن کریم را به صورت ذکر محفوظ نازل نمودیم و در آینده نیز آن را از تحریف حفظ می‌کنیم (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ص ۳۸۰-۴۶۰). این آیه برای اثبات صیانت قرآن از تحریف مورد استناد و استدلال فراوان مفسران فریقین قرار گرفته است از جمله علامه طباطبائی در تفسیر المیزان (۱۰۴-۹۶/۱۲).

#### ۴-۱-۲-۱-۲. آیه نفی باطل (فصلت / ۴۱-۴۲)

ایشان در تفسیر آیه می‌فرماید: قران به علت عزیز بودن (شکستناپذیر بودن) و تنزیل از طرف خداوند حکیم حمید، باطل شدنی نیست و از تمام جوانب مصون از بطلان است و همواره عزیز و محمود (ستودنی) است (نک: جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۳۴). مفسران و علمای زیادی برای اثبات صیانت قران از تحریف به این آیه استناد نموده‌اند از جمله علامه طباطبائی در المیزان (۳۹۶/۱۷-۴۰۰).

#### ۴-۱-۲-۳. آیه اطفاء نور الٰهی (التوبه / ۳۲)

آیه اطفاء نور، خداوند متعال، بیان می‌کند که دشمنان خدا و قرآن در بی تحریف قران کریم هستند و می‌خواهند این نور الٰهی که مایه هدایت است را خاموش کنند و همچنین آیه بیان می‌کند، که هرگز این خواسته‌ی آنها که برخاسته از آرزوی خام آنهاست عملی نخواهد شد و خدا از نور خود (قرآن کریم) حفاظت خواهد نمود. (جوادی آملی، نزاهت قران از تحریف، ۶۹-۷۱).

#### ۴-۱-۲-۴. آیه رصد الٰهی (الحن / ۲۶-۲۸)

این آیه احتمال وقوع هرگونه تحریف را در تمام مراحل دریافت و ابلاغ قران کریم، از عصر نزول تا امروز را نفی و رد می‌کند و خداوندمتعال از آن مراقبت و نظارت کرده و می‌کند و احتمال وقوع هرگونه تحریف در قران کریم، مستلزم عدم مراقبت و نظارت کامل یا خارج از علم و اراده خداوند است و فرض چنین امری پیرامون خدا قبیح و محال است. (جوادی آملی، نزاهت قران از تحریف، ۷۱-۷۶).

#### ۴-۱-۲-۵. آیات دال بر عصمت ذاتی قرآن کریم

آیت الله جوادی آملی مساله تواتر قران کریم را یکی از ادله عدم تحریف قران می‌داند. ایشان بیان می‌کند که جمهور مسلمین بر این باورند که صدور قران کنونی، امری حتمی و

قطعی است و به تواتر بین نسل‌ها منتقل شده است و بر این اساس، مسلمان بر این باورند که قرآن کنونی بدون هیچ کم و کاستی از عصر رسول الله ﷺ تاکنون، به دست آنها رسیده است، لذا با وجود چنین تواتری، امکان تحریف وجود ندارد (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۶).

#### ۴-۲-۱. دلائل روایی

آیت الله جوادی آملی معتقد است که روایات با ۵ گونه بر تحریف‌ناپذیری قرآن دلالت دارند که عبارتند از:

۱-۱-۲-۱-۴. روایاتی مبنی بر سیره عملی ائمه اعلی در استفاده از قرآن و استدلال به آن. (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۴۷)

۱-۱-۲-۱-۴. روایاتی مبنی بر رجوع به قرآن در حوادث سخت و فتنه‌های روزگار.  
(جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۴۸)

۱-۱-۲-۱-۴. حدیث متواتر تقلین. (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۹۸-۱۰۱)

۱-۱-۲-۱-۴. روایات عرضه به کتاب (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۴۸؛ جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۱).

۱-۱-۲-۱-۴. روایات تلاوت سوره کامل در نماز و روایات فضایل سور (جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۳-۱۰۴).

#### ۴-۲-۱-۳. تواتر قرآن کریم

آیت الله جوادی آملی، مساله تواتر قرآن کریم را یکی از ادله عدم تحریف قرآن می‌داند. از آنجا که جمهور مسلمین بر این باورند که صدور قرآن کنونی، امری حتمی و قطعی است و به تواتر بین نسل‌ها منتقل شده است و بر این اساس، مسلمان بر این باورند که قرآن کنونی بدون هیچ کم و کاستی از عصر رسول الله ﷺ تاکنون به دست آنها رسیده است، لذا

با وجود چنین تواتری، امکان تحریف وجود ندارد (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۶).

#### ۴-۲-۴. شهادت تاریخ بر عدم تحریف

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است: تاریخ اسلام نشان می‌دهد که تلاش‌های منحرفان برای تحریف قرآن هیچ گاه ثمر نداده است و برای اثبات این مطلب، دو نمونه بیان می‌کند: ماجرای معروف تاریخی حذف «واو» توسط معاویه در آیه ۳۴ سوره توبه و همچنین جریان حذف «واو» توسط خلیفه دوم در آیه ۱۰۰ سوره توبه. (نک: جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۳۹-۳۳۶).

#### ۴-۲-۵. هماهنگی قرآن با عترت

ایشان معتقد است که، هماهنگی قرآن‌کریم و معصومین علیهم السلام و جدایی‌ناپذیری این دو ایجاد می‌کند، که مفسر قرآن کریم همواره در محضر سنت معصومین علیهم السلام بوده و هرگز هیچ کدام را بدون دیگری نبیند یعنی هم حسینا کتاب الله، آهنگ مشتملی است و هم حسینا السنہ، نغمه منحوسی است. (نک: جوادی آملی، سروش‌هدایت، ۴/۲۱).

#### ۴-۲-۶. شهرت محققه به گواهی علمای فریقین

ایشان بر این باور است که شهرت محققه به گواهی علمای شیعه و سنی که به حد اجماع یا اتفاق نظر محققان اسلامی می‌رسد و مفید یقین است و بر مصونیت قرآن کریم از تحریف دلالت می‌کند (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۶-۱۰۷).

#### ۴-۲. جمع‌بندی مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که: با احتمال وقوع تحریف، نه تنها معجزه بودن قرآن

کریم بلکه حجّت قرآن نیز ساقط می‌شود، لذا امکان استفاده از قرآن کریم، منتفی می‌شود؛ بنابراین باید مفسّر قرآن قبل از پرداختن به تفسیر آیات قرآن کریم، مصونیت قرآن از تحریف را اثبات کند. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۲۹). و تنها علمی که می‌تواند متكفل بررسی اثبات مصونیت قرآن کریم از تحریف باشد، علم قرآنی است؛ زیرا دانش قرآنی عهده‌دار تحلیل و بررسی مسائلی است که باید پاسخ به آنها قبیل از ورود به تفسیر قرآن مشخص گردد؛ مانند موضوع عدم تحریف قرآن کریم (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۳۰). از طرفی ایشان معتقد است که تدوین و جمع قرآن کریم (چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سور) به صورت یک کتاب مدون و به شکل فعلی در زمان حیات رسول الله ﷺ صورت گرفته است اما به صورت صحیفه‌هایی بوده است و اقدامی که در زمان خلیفه اول صورت گرفت، فقط کنار هم نهادن این صحیفه‌ها و دوختن آنها بوده است و جمع قرآن کریم، در عصر خلیفه سوم نیز به معنی یکسان سازی و وحدت قرائات می‌باشد. بنابراین معتقد به توافقی بودن چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سور است. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۶۴-۱۶۳).

#### ۴-۳. نقد و بررسی نظر علامه در باب مصونیت قرآن از تحریف در نگاه آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی آملی، برای نقد گفتار علامه طباطبائی، ابتدا دیدگاه ایشان در المیزان را در چند صفحه بیان نموده و آنگاه به نقد و بررسی آن می‌پردازد و می‌فرماید: علامه طباطبائی معتقد است قرآن کریم در آیات تحدی اش، خود را برخوردار از ویژگی‌ها و اوصاف ویژه‌ای دانسته و به همین اوصاف هماورخواهی نموده است و آن ویژگی‌ها و اوصاف مذکور در قرآن‌کنونی نیز وجود دارد و این موضوع، مشخص می‌کند که در قرآن هیچ‌گونه تحریفی اتفاق نیافته است. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲ / ۱۰۵-۱۰۷؛ جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۸۱-۷۶).

آیت الله جوادی آملی استدلال علامه طباطبائی با اشکال رو به رو می‌داند و معتقد است؛

استدلال به آیات قرآن کریم، برای اثبات عدم تحریف آن، نظیر تمیک کردن به عام در شبه مصدقی خود عام است و لذا در آن دوْر رقیقی پنهان است، چون مدعای ما دربارهی عدم تحریف قرآن، این است که قرآن فعلی، عین همان قرآنی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است؛ بدون هیچ‌گونه تغییری (نک : جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۸۳-۸۴).

دلیل بر این حرف طبق بیان علامه طباطبائی، آن است که قرآن فعلی دارای اوصاف ویژه‌ای است که با ادعاهای اوّلی قرآن سازگار است و هر یک از ادله شاهد قرآنی دارد؛ بلکه شاهد عین مدعایست و کیفیت آیات این کتاب آسمانی شاهد صحت آنهاست؛ لذا شاهد و مشهود متعدد شده‌اند. بنابراین، این دلیل برای اثبات آن مدعای عام کفايت نمی‌کند؛ ایشان علت آنرا چنین بیان می‌کند:

زیرا ممکن است قرآن زمان پیامبر ﷺ، شامل ادعاهای شاهد و شواهد دیگری مطابق با آن ادعاهای بوده باشد که همه‌ی آن ادعاهای شاهد از قرآن فعلی، حذف شده است. لذا با این احتمال، از این دو حصر یکی فرو می‌پاشد: الف. هر آنچه در قرآن فعلی است، همگی وحی است و هیچ چیز، جز وحی الهی در آن نیست. ب. تمام آنچه به وسیله وحی الهی فرود آمده، در قرآن فعلی جمع شده است. لذا با احتمال وجود آیه‌ای فرود آمده که در قرآن فعلی نیست و نشانه‌ای آن از بین رفته، حصر دوم فرو می‌پاشد (نک : جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۸۴). آیت‌الله جوادی آملی نمونه‌هایی را بیان نموده است، به عنوان نمونه شاید احتمال داده شود که در قرآن عصر رسول الله ﷺ، موضوع غیبت امام زمان ع و مدعای ایشان و وظایف مردم در زمان ظهور بیان شده باشد و با تحریف، تمام این آیات محو و حذف شده است و مشخص است با ادعای دارا بودن قرآن فعلی از ویژگی‌ها و اوصاف عمومی قرآن، جواب دادن به شباهت قائلان به تحریف سهل نخواهد بود و هماهنگی قرآن‌کنونی و برخورداری از شاهد و مدعی با فرض اینکه تمام آنچه در این مصحف هست آسمانی است، اثبات نمی‌کند که هر آنچه نازل شده، در این قرآن جمع شده است. (نک : جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۸۴-۸۵).

آیت الله جوادی آملی چنین نتیجه می‌گیرد که با برهان علامه طباطبائی گرچه می‌توان اثبات کرد که همه‌ی آنچه در قرآن فعلی است، همان قرآن نازل است، اما نمی‌توان اثبات کرد که تمام آنچه از سوی خداوند نازل شده، در قرآن فعلی جمع شده است. آیت الله جوادی آملی معتقد است، به هر حال استدلال نمودن به آیات قرآن برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف مقدور نیست؛ چون با احتمال تحریف به نقصان در بعضی از آیات دیگر، نه تنها حجیت آیات نفی بطلان، حفظ و... متزلزل می‌شود بلکه اصل مستند نمودن آنها به خداوند متعال مورد شباهه و تأمل قرار می‌گیرد؛ زیرا هنگامی می‌توان به الهی بودن آنها اطمینان نمود که معجزه بودن قرآن اثبات شود و وقتی این مهم ثابت می‌شود که تمام آیات در اختیار باشد تا همه‌ی آیات بررسی و عدم تناقض و اختلاف آنها با یکدیگر مشخص گردد؛ چون از مهم‌ترین تحدى این مصحف شریف، هماهنگی سراسر این کتاب با یکدیگر و پیراستگی آن از اختلاف با هم است (النساء، ۸۲) و با در دسترس نبودن برخی از آیات کاهش یافته احتمالی، نمی‌توان اطمینان به هماهنگی و عدم اختلاف آن حاصل نمود و با عدم اطمینان به هماهنگی و انسجام، وحیانی بودن این کتاب آسمانی مورد شک و تردید قرار می‌گیرد و با شک در معجزه بودن این کتاب، مستند نمودن آن به خدا، مورد تردید واقع می‌شود و با این تردید، حجیت هر آیه‌ای مورد تامل قرار می‌گیرد. ایشان در پایان می‌افرازد که البته، شاید از روش اعجاز مشهور و معروف استدلال شود یعنی مثلاً آیات نفی بطلان، حفظ و... هر کدام مختص به سوره‌ای خاص است و خدا تحدى و هماورده طلبی به یک سوره نموده و آوردن مثل سوره، محال عادی است؛ بنابراین هر کدام از سور معهود قرآنی، کلام حتمی و قطعی الهی است و قطع به وحیانی بودن آیات مذکور، سند قطعی حجیت آنهاست. آیت الله جوادی آملی بر این باور است که:

«چنین قطع منطقی، اگر مستصعب نباشد، قطعاً صعب است؛ هر چند یقین روان شناختی اگر مستسهل نباشد، قطعاً سهل است. به امید آنکه راه روشن‌تری ارائه شود». (جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۹۷).

بنابراین اگرچه مصونیت قرآن از تحریف، از مبانی‌ای است که آیت‌الله جوادی آملی بدان معتقد است و آنرا در تفسیر کتاب الهی، شرط می‌داند اما به نظر می‌رسد که دلیل علامه طباطبائی در این باب در نظر آیت‌الله جوادی آملی کافی و شافی نمی‌باشد.

## ۵. بررسی اشتراکات و افتراقات مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن از منظر علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی

مقایسه آراء تفسیری این دو مفسر در مورد مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن کریم، دارای اشتراکات و افتراقاتی به شرح ذیل می‌باشد:

### ۵-۱. اشتراکات دیدگاه دو مفسر

به‌طور کلی می‌توان گفت که مبنای تفسیری صیانت قرآن از تحریف، از مبانی مشترک دو مفسر در تفسیر قرآن کریم است و آیت‌الله جوادی آملی به تأثیرپذیری از استاد خویش (علامه طباطبائی) در ارائه دلایل عقلی و نقلی در اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن کریم با یکدیگر اتفاق نظر دارند و به عقیده هر دو مفسر، در قرآن کریم هیچ گونه تحریفی که به معجزه بودن، هادی بودن و عام‌ترین صفت‌اش (ذکر بودن) خدشه‌ای وارد کند و باعث دگرگونی در معنی آن شود، صورت نگرفته است. دو مفسر بزرگوار در اثبات این مهم، به ادله عقلی، قرآنی و روایی فراوانی و شواهد تاریخی تمسک نموده و مفصل در تفاسیرشان قلم‌فرسايی نموده‌اند. این بحث هم در تفسیر المیزان در چند جا به تفصیل (در هفت فصل جداگانه با دلائل روشن و قطعی) مطرح شده است. هم‌چنین آیت‌الله جوادی آملی علاوه بر اینکه در این باره تالیفی مجزا با عنوان «نزاهت قرآن از تحریف» دارد، در تفسیر تسنیم نیز به تفصیل به این موضوع پرداخته است. لذا در اصل مصونیت قرآن کریم از تحریف با یکدیگر اشتراک نظر دارند.

## ۵-۲. افتراقات دیدگاه دو مفسر

با وجود اینکه مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن کریم، از مبانی مشترک صدوری، دو مفسر در تفسیر قرآن کریم است، اما در کیفیت و تبیین موضوع با یکدیگر اختلاف نظر دارند. از جمله افتراقات دیدگاه دو مفسر عبارتند از:

۱-۲-۵. آیت الله جوادی آملی در ابتکاری، تحریف را به دو نوع عملی و علمی و تحریف عملی را به چهار نوع معنوی، زیاده، نقیصه و تحریف در حرکات، تقسیم نموده است.

۲-۲-۵. آیت الله جوادی آملی، دلایل عقلی زیادی در مورد تحریف‌ناپذیری قرآن، بیان نموده است و روی نگرش عقلی، تاکید بیشتری دارد که این نشان‌دهنده‌های عقلانی-وحیانی ایشان است. این دلایل عقلی عبارتند از: منافات تحریف با حکمت و لطف الهی، منافات تحریف با برهان نبوت، عدم حجیت قرآن کریم با وقوع تحریف، اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن با اثبات اعجاز و تحدی قرآن.

۳-۲-۵. ایشان همچنین در قسمت دلایل نقلی، به آیات و روایات بیشتری نسبت به علامه طباطبائی استناد نموده‌اند از جمله:

الف. از جمله دلایل قرآنی عبارتند از: الاسراء / ۱۰۵؛ فصلت / ۴۲؛ الجن / ۲۷-۲۸؛ الشعرا / ۱۹۳-۱۹۴؛ التکویر / ۲۱؛ آل عمران / ۱۰۸؛ المائدہ / ۱۵؛ الصف / ۸؛ التوبه / ۳۲؛ يونس / ۳۷.

ب. از جمله دلایل روایی عبارتند از: روایاتی که سیره عملی ائمه علیهم السلام در استفاده از قرآن و استدلال به آن را نشان می‌دهد؛ روایات رجوع به قرآن در حوادث سخت و فتنه‌های روزگار؛ حدیث متواتر شقین؛ روایات عرضه به کتاب؛ روایات تلاوت سوره کامل در نماز و روایات فضایل سور.

۴-۲-۵. آیت الله جوادی آملی، نظر استاد خویش (علامه طباطبائی) را مورد نقد و بررسی قرار داده و نظر علامه طباطبائی را مستلزم دوری رقیق دانسته و معتقد است، بر فرض صحت آن، اثبات آن همراه با صعوبت خواهد بود، لذا بین استاد و شاگرد اختلاف

دیدگاه وجود دارد و ریشه این اختلاف دیدگاه آن است که:

الف. آیت‌الله جوادی آملی، چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سوره‌ها را، توقيفی می‌داند و جمع و تدوین مصحف شریف را به زمان حیات رسول‌الله ﷺ نسبت می‌دهد و جمع قرآن در زمان ابوبکر را به معنای در کنار هم قرار دادن صحیفه‌های مرتب و منسجم شده در زمان رسول‌الله ﷺ دانسته و جمع قرآن در زمان عثمان را به معنای یکسان‌سازی مصاحف می‌داند، در حالی که علامه طباطبائی جمع و تدوین قرآن را در زمان حیات پیامبر ﷺ نمی‌داند و معتقد به اجتهادی بودن ترتیب سوره‌های است. که به نظر می‌رسد، سخن آیت‌الله جوادی آملی صحیح‌تر باشد.

ب. همچنین آیت‌الله جوادی آملی استدلال علامه طباطبائی را در اثبات تحریف ناپذیری قرآن، ناکارآمد و ناکافی می‌داند و به نقد سخن علامه پرداخته است و نظر علامه طباطبائی را مستلزم دوری رقیق دانسته است، که به نظر می‌رسد ملاحظه دقیقی است.

## نتایج مقاله

۱. هر دو مفسر در باب مصونیت قرآن از تحریف، قائل به عدم تحریف قرآن کریم هستند و این بحث در تفسیر المیزان در چند مورد به تفصیل، مطرح شده است و محور اساسی این بحث در المیزان، وجود صفاتی است که قرآن با آن در زمان پیامبر ﷺ، تحدی نموده است. آیت‌الله جوادی آملی نیز علاوه بر اینکه تالیفی مجزا با عنوان «نزاهت قرآن از تحریف» دارد، در تفسیر تسنیم نیز به تفصیل، به این موضوع پرداخته است. بنابراین عدم تحریف قرآن کریم، از مبانی تفسیری مشترک صدوری هر دو مفسر است، اما در جزئیات، تبیین و استدلال و اثبات آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

۲. آیت‌الله جوادی آملی، نظر استاد خویش (علامه طباطبائی) را در این خصوص، مورد نقد قرار داده و فرموده است که نظر علامه طباطبائی مستلزم دوری رقیق بوده و بر فرض صحت آن، اثبات آن همراه با صعوبت خواهد بود.

۳. ریشه این اختلاف دیدگاه دو مسأله است:

الف. از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، جمع و تدوین قرآن کریم (چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سوره‌ها) به صورت یک کتاب مدون و به صورت کنونی در زمان حیات رسول الله ﷺ صورت گرفته است، اما به شکل صحیفه‌هایی بوده است و اقدامی که در زمان خلیفه اول صورت گرفت، فقط در کنار هم گذاشتن این صحیفه‌ها و دوخت و دوز آنها بوده است و جمع قرآن کریم در دوره خلیفه سوم نیز به معنی یکسان‌سازی و وحدت قرائات می‌باشد. بنابراین معتقد به توقيفی بودن چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سور است، در حالی که علامه طباطبائی جمع و تدوین قرآن را به صورت کامل، در زمان پیامبر ﷺ نمی‌داند. بنابراین معتقد به اجتهادی بودن ترتیب و چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سور است. که به نظر می‌رسد، سخن آیت الله جوادی آملی صحیح‌تر باشد.

ب. آیت الله جوادی آملی، استدلال علامه طباطبائی را در اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن، ناکارآمد و ناکافی می‌داند و به نقد سخن علامه پرداخته و دلائل در این‌باره را کافی و شافی نمی‌داند و بیان می‌کند که امید است راه روشن‌تری ارائه شود.

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ ه.ش.
۲. ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن‌زین‌الدین، عوالی‌النالی‌العزیزیه فی الاحدادیت‌الدینیه، محقق: مجتبی‌عراقی، قم: دارسیدالشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ه.ق.
۳. ابن‌فارس، احمدبن‌فارس، معجم مقایيس‌اللغه، چاپ اول، قم: مکتب‌الاعلام‌الاسلامي، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، لسان‌العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ ه.ق.
۵. اشرفی، امیررضا، قرآن مصون از تحریف (بررسی دیدگاه علامه طباطبائی)، نشریه معرفت، ش ۱۲۲، ۱۳۸۶ ه.ش.
۶. انواری، جعفر، انگاره تحریف قرآن، تهران: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰ ه.ش.
۷. آلوسی، محمود، روح‌المعانی، چاپ سوم، بیروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ ه.ق.
۸. بابایی، علی‌اکبر و ..., روش‌شناسی تفسیر قرآن، چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ه.ش.
۹. جوادی‌آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، چاپ اول، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۰. همو، سروش‌هدایت، چاپ اول، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۱. همو، تفسیر‌تسنیم، تحقیق و تنظیم‌جمعی از محققان، چاپ‌هشتم، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۲. همو، نزاهت قرآن از تحریف. تحقیق‌علی‌نصیری. چاپ‌چهارم، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۹ ه.ش.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن‌حماد، الصحاح، چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملايين، ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآنی و قرآن‌پژوهی، چاپ اول، تهران: انتشارات ناهید و دوستان، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۵. خوئی، سید‌ابوالقاسم، البيان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران: دارالقلیل، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۶. ختنی، علیرضا، تبیین اندیشه‌های عقلانی و حیانی آیت‌الله جوادی‌آملی درباره تحریف‌ناپذیری قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۴۱، ۱۳۹۹ ه.ش.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه‌دهخدا، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، دمشق: دارالعلم الدارالشامیه، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیر‌کبیر، ۱۳۸۴ ه.ش.
۲۰. زمخشیری، محمود، الكشاف عن حقائق غواض التنزيل و عيون الأقوال في وجوه التأويل، چاپ سوم، بیروت: دارالكتاب العربي، ۱۴۰۷ ه.ق.
۲۱. سیحانی، جعفر، سیمای عقاید شیعه، مترجم: جواد‌محدثی، چاپ دوم، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۲. سیدرضا، محمدبن‌حسین، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد‌دشتی، چاپ سوم، قم: انتشارات قدس، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۳. شاکر، محمد‌کاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، چاپ اول، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم انسانی، ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۴. شریفی، محمد، تحریف‌ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه‌طباطبائی، نشریه بینات، ش ۶۷، ۱۳۸۹ ه.ش.
۲۵. طباطبائی، سید‌محمد‌حسین، قرآن در اسلام، چاپ‌یازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۶. همو، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۷. طرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع‌البيان فی تفسیر القرآن، تصحیح سید‌هاشم رسولی محلاتی، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲۸. طوسي، محمد بن حسن، التبيان، قم: مکتب اعلام‌الاسلامیه، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۹. طیب، سید عبدالحسین، أطیب‌البيان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۶۹ ه.ش.

۳۰. عسقلانی، ابن حجر، احمد بن علی، فتح الباری، چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۷ه.ق.
۳۱. عمیدزنگانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ه.ش.
۳۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ه.ش.
۳۳. فخررازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ دوم، بیروت: دارالحیاءالتراث العربی، ۱۴۲۰ه.ق.
۳۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۲ه.ش.
۳۵. قرشی، سیدعلی‌اکبر، تفسیر أحسن الحديث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ه.ش.
۳۶. همو، قاموس القرآن، چاپ سوم، تهران: دارالکتب، ۱۳۷۵ه.ش.
۳۷. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح علی‌اکبرغفاری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ه.ق.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، تهران: المکتبة الاسلامیه، ۱۴۰۳ه.ق.
۳۹. محمدی ری‌شهری، محمد، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، چاپ اول، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۰ه.ش.
۴۰. محمدی، فتح‌الله، سلامة القرآن من التحریف، تهران: مشعر، ۱۳۷۸ه.ش.
۴۱. مصباح، محمدتقی، قرآن‌شناسی، تحقیق و نگارش محمود رجبی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰ه.ش.
۴۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ه.ش.
۴۳. معرفت، محمدهادی، التهیید فی علوم القرآن، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ه.ق.
۴۴. همو، تاریخ قرآن، قم: دارالقرآن، ۱۳۸۴ه.ش.
۴۵. همو، صيانة القرآن من التحریف، قم: دارالقرآن، ۱۳۸۶ه.ش.
۴۶. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ه.ش.
۴۷. مودب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۸ه.ش.
۴۸. همو، روش‌های تفسیر قرآن، چاپ سوم، قم: انتشارات یاران، ۱۳۹۳ه.ش.
۴۹. میبدی، محمدفاکر، قواعد التفسیر لدى الشیعه و السنّه، چاپ اول، طهران: الجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۸ه.ق.
۵۰. نجارزادگان، فتح‌الله، تحریف‌ناپذیری قرآن، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۴ه.ش.



